

اختلال رشد در کودکان

انگار کودک با هم‌سن و سالانش خیلی فرق می‌کند. وقتی دیگران اسمش را صدا می‌زدند یا با او صحبت می‌کردند...



جام جم آنلاین: انگار کودک با هم‌سن و سالانش خیلی فرق می‌کند. وقتی دیگران اسمش را صدا می‌زدند یا با او صحبت می‌کردند، به نظر می‌آمد اصلاً صدای آنها را نمی‌شنید، در حالی که ناشنوا هم نبود. علاقه‌ای به بازی با بچه‌های دیگر نداشت و به تنهایی با اسباب‌بازی‌هایش بازی می‌کرد. هیچ وقت تلاش نمی‌کرد تحسین و تمجید دیگران را جلب کند و از همه مهم‌تر این که وقتی دیگران ناراحت و غمگین بودند اصلاً به آنها توجهی نمی‌کرد و به اصطلاح حس همدردی نداشت.

آسپرگر، یک اختلال رشدی شدید است که ویژگی‌های آن عبارتند از: مشکلات عمده در تعامل اجتماعی، الگوهای غیرعادی علایق و رفتار به علاوه مهارت‌های نسبتاً سالم شناختی و ارتباطی. کودکان مبتلا به اختلال آسپرگر (AD) همان آسیب‌دیدگی‌های اجتماعی و علایق محدود و قالبی کودکان در خودمانده را نشان می‌دهند، اما از لحاظ زبانی، رشد شناختی، رشد مهارت‌های خودیاری متناسب با سن، رفتار انطباقی (به جز تعامل اجتماعی) و کنجکاوی درباره محیط دچار تاخیر نیستند.

افراد مبتلا به این اختلال معمولاً خودمحور و به لحاظ اجتماعی نالایق هستند و همه فکر و ذکر آنها موضوعات و علایق بسیار محدود است که باعث می‌شود آنان غیرعادی به نظر آیند. دیگر ویژگی‌های بالینی رایج آسپرگر عبارتند از:

حرکت‌های ناپخته و بدآهنگ، قیافه و رفتارهای عجیب و غریب، فقدان همدلی، تعامل اجتماعی ناپخته و ناهمخوان و یکطرفه، ناتوانی در برقراری دوستی، انزوای اجتماعی، گفتار سرد و بی‌روح، ارتباط غیرکلامی ضعیف و اشتغال فکری به موضوعاتی چون آب و هوا.

نشانه‌های آسپرگر

برخی کودکان مبتلا به نشانه‌های آسپرگر رفتارهایی چون زدن، فریاد کشیدن، اوقات تلخی کردن، جر و بحث‌های مکرر یا حتی به فرد آسیب رساندن را انجام می‌دهند.

اغلب ما به طور طبیعی می‌دانیم چگونه به فردی که در حال صحبت کردن با ماست، نگاه کنیم، لبخند بزنیم یا گاهی سر تکان دهیم که دلیل توجه ما به او باشد، ولی افراد دارای آسپرگر ظاهراً نمی‌توانند از این قواعد نانوشته پیروی کنند. رفتار آنها هنگام ترک یک موقعیت اجتماعی گاهی اوقات آشفته می‌شود یا هنگام مواجه شدن با ظرافت‌های اجتماعی دچار دستپاچگی می‌شوند و از قراردادهای اجتماعی تخلف می‌کنند. آنان عقاید خصوصی خود را به دیگران می‌گویند یا سوالات کلا شخصی از طرف مقابل می‌پرسند. افراد دارای نشانه‌های آسپرگر اغلب رفتارشان به گونه‌ای است که انگار احساسات یا نظرات دیگران را درک نمی‌کنند و این موضوع، واکنش‌های اجتماعی آنان را مشکل‌تر می‌سازد. معمولاً همدلی در دوران کودکی ایجاد می‌شود، زمانی که افراد شروع به ابراز علاقه و توجه به احساسات دیگران می‌کنند. کودکان در سنین پیش‌دبستانی غالباً درباره دوستان نگران و عصبانی خود صحبت می‌کنند. آنها حتی در بازی‌های خیالی خود ویژگی‌های افراد ناراحت یا پریشان را مشخص کرده و نشان می‌دهند شرایط و پاسخ‌های مربوط را درک می‌کنند، اما کودکان دارای آسپرگر در درک احساسات دیگران مشکلات اساسی دارند. بسیاری از این کودکان حتی به والدین، خواهر و برادران و کودکانی که دچار آسیب و نگرانی هستند، توجهی ندارند یا این که ممکن است فهم نادرست و وحشتناکی از احساسات دیگران داشته باشند. اکثر افراد مبتلا به این اختلال در مقایسه با هم‌تایان تقریباً هم‌سن و سال خود مشکلات بیشتری دارند و در روابط خود با دیگران در طول زندگی با مشکل روبه‌رو می‌شوند.

نکته: بسیاری از دانش‌آموزان مبتلا به نشانه‌های آسپرگر با وجود هوش متوسط یا بالا در مدرسه مشکلاتی دارند و به سطح مورد انتظار نمی‌رسند. آنها در سازماندهی و تطبیق خودشان با نظم و دقت در کلاس مشکل دارند. کودکان با اختلال آسپرگر معمولاً فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که در صورت نیاز به تکرار، بدون ایجاد کسالت قادر به انجام آن هستند. در میان چنین افرادی، این ویژگی معمولاً نشان‌دهنده علایق ویژه‌ای است که مانند یک وسواس یا مشغله ذهنی نمود می‌کند و آنان آنقدر غرق این سرگرمی شده که از بقیه مستثنا می‌شوند. کودکان مبتلا به آسپرگر ممکن است در اندیشیدن دچار مشکل شوند، اما از یک حافظه عالی برخوردار باشند. بسیاری از این کودکان استعدادهایی دارند، مثلاً بسیاری از آنان در خواندن برتری دارند یا می‌توانند بسیاری از جزئیات گذشته را به خاطر آورند.

بسیاری از دانش‌آموزان مبتلا به نشانگان آسپرگر با وجود هوش متوسط یا بالا در مدرسه مشکلاتی دارند و به سطح مورد انتظار نمی‌رسند. آنها در سازماندهی و تطبیق خودشان با نظم و دقت در کلاس مشکل دارند که این مشکلات اغلب منجر به شکست در انجام تکالیف در مدرسه و صرف ساعات زیادی برای تکمیل آنها می‌گردد. این دانش‌آموزان اغلب کارهایشان را خیلی بد سازماندهی می‌کنند و از قبل برای اهداف اصلی و فرعی مناسب موردنظر و آنچه برای تکمیل تکالیف لازم است به خانه آورند، برنامه‌ریزی نمی‌کنند. غالباً قادر به تشخیص تکالیف اصلی جزئی نیستند و وقت و انرژی را به تناسب به آنها اختصاص نمی‌دهند. در نهایت پاداش‌هایی که سایر کودکان (کودکان سالم) را انگیزه‌دار می‌کند بر کودکان مبتلا به آسپرگر با عملکرد بالا تأثیری ندارد. همچنین این دانش‌آموزان اهمیتی نمی‌دهند که ممکن است آموزگاران و والدینشان از این‌که آنها کارشان را نیمه‌تمام گذاشته یا نمرات بدی گرفته‌اند، ناراحت شوند و برایشان مهم نیست که به عنوان تنبیه بعد از پایان کلاس در مدرسه ننگه داشته شوند یا در زنگ تفریح اجازه خروج از کلاس را نداشته باشند. به این ترتیب، تحریک این دسته از دانش‌آموزان مبتلا به انجام تکالیف مدرسه حتی با وجود توانایی‌های بالای عقلانی نیز دشوار است.

روش‌های درمانی

روش‌هایی وجود دارند که اگر نتوانند این اختلال (آسپرگر) را به طور کامل درمان کنند، ولی می‌توانند به طور قابل‌ملاحظه‌ای در بهبود آنها موثر واقع شوند. راه‌های فراوانی وجود دارند که از طریق آنها بتوانید این اختلال را تحصیل و به کودکان کمک کنید که در مدرسه و محیط‌های اجتماعی احساس راحتی بیشتری کند و برای او محیط خانوادگی را سالم و عادی و آرام نگه دارید. برخی از این درمان‌ها برای افراد مبتلا به آسپرگر شامل گروه‌های مهارت‌های اجتماعی، حمایت آموزشی، درمان زبان - ارتباط، دارودرمانی، تحلیل رفتار کنشی و روان‌درمانی فردی است.

می‌توان گفت مشکلات اجتماعی کودکان مبتلا به آسپرگر با گروه‌درمانی بهبود می‌یابند. این گروه‌ها بسرعت به آن دسته از رفتارهای اجتماعی متمرکز می‌شوند که به نظر می‌رسد کودکان دیگر آنها را به صورت طبیعی یاد می‌گیرند. رفتار اجتماعی به بهترین وجه در این گروه‌ها آموزش داده می‌شود. برخی از موضوعات متداول مورد توجه این گروه‌ها شامل زبان بدن، تماس چشمی (ارتباط با دیگری از راه چشم یا نگاه کردن)، درک هیجانات دیگران و پی بردن به دیدگاه‌های دیگران است. همچنین مهارت‌های مکالمه‌ای و دیگر رفتارهای مهم جهت ایجاد تعاملات مثل معرفی خود، ملحق شدن به یک گروه، اظهار ارادت کردن نمونه درمان از طریق گروه‌های مهارت‌های اجتماعی است.

معمولاً کودکان مبتلا به آسپرگر در استفاده از زبان برای مبادله اندیشه‌ها و اطلاعات با دیگران مشکلات دارند، مثلاً وقتی با آنان به کنایه حرف می‌زنیم یا شوخی می‌کنیم ممکن است کودک مبتلا درست متوجه نشود. در درمان از طریق زبان - ارتباط، باید این مهارت‌ها را با حضور دیگر کودکان تمرین کرد و در این میان، راهنمایی یک درمانگر آگاه که بتواند یک جو حمایتی ایجاد کند، لازم است. فراموش نشود یکی از مسائل مهم مربوط به درمان، خانواده است چرا که والدین اغلب برای آینده فرزندشان بسیار نگران و مضطرب هستند و ممکن است گاهی احساس گناه کنند یا از رفتارهای غیرمعمول کودکشان ناراحت و افسرده شوند. در اینجا یک درمانگر خانوادگی آموزش دیده می‌تواند به والدین یاد دهد که چگونه در مقابل این احساسات عکس‌العمل نشان دهند و نیازهای کودکشان را برآورده سازند.

معصومه اسدی / جام‌جم